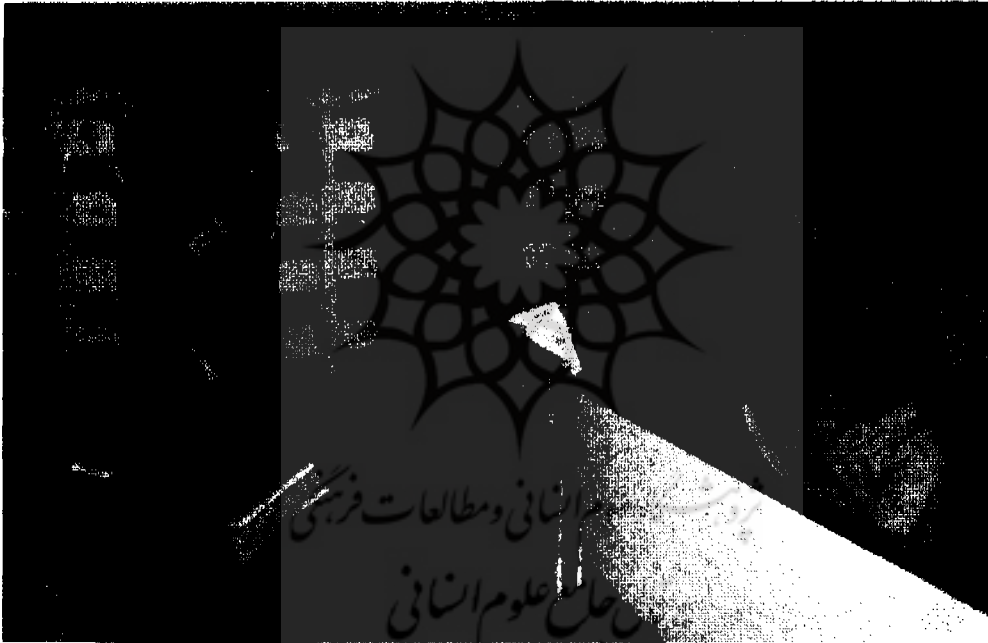




سواد آموزی در چین

علی میرزائی



در تابستان سال ۶۹ سفری به چین — همراه هیأتی ایرانی — برای نگارنده پیش آمد، و فرصتی دست داد که تجارب سوادموزی چین مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. حاصل بازدیدها و مطالعات در گزارش حاضر آمده است. در این گزارش سعی شده است که سرفصلهای زیرمورد بحث قرار گیرد:

اهداف سوادموزی، تاریخچه سوادموزی، محتوا و دوره‌های مختلف سوادموزی، پس از سوادموزی، نظام اجرا نظارت و ارزشیابی و

تشویق، سوادموزی و نیازهای نوآوران، تأثیر نیروی انسانی مورد نیاز، اعتبارات سوادموزی، دولت و سوادموزی، تفکیک وظایف بین دستگاه‌های مختلف، برنامه‌های آینده سوادموزی، و همکاری‌های بین‌المللی در موضوع سوادموزی.

اهداف

در کشور چین همچون دیگر کشورهای سوسیالیستی، سوادموزی در راستای اهداف

نظام سوسیالیستها تبیین می‌شود. توسعه کیفیت ملی، غیبه ظهور گذاردن سوسیالیسم مدرنیته از دیدگاه رهبران این کشور به عنوان هدفهای سوادموزی تعیین شده است. سوادموزی به عنوان نوعی حرکت وسیع اجتماعی که می‌تواند هدفهای اصلی نظام یعنی تحقق سوسیالیسم را میسر سازد شناخته می‌شود و در پرتو چنین نگرشی به سوادموزی جمعیت است که اهمیت ویژه آن و انتظاراتی که از سوادموزی در سازندگی جامعه می‌رود مشخص می‌گردد.

در چنین پیشرفت و ترقی در تولید و سواد به صورت توأمان کلید موفقیت بوده و آنها را تنظیم کننده یکدیگر و متأثر از هم می‌دانند و اهمال و مسامحه در هر یک را موجب اختلال در کل نظام تلقی می‌کنند. محو بیسوادی در کلام رهبران چین به «انفجار بمب اتمی» تشبیه شده است همچنان که انفجار یک بمب تمامی مظاهر حیات را متأثر می‌سازد و تمام آنچه را که در شعاع آن قرار می‌گیرد دگرگون می‌کند و دامنه تأثیر گسترده‌ای دارد، محو بیسوادی نیز می‌تواند در شعاعی گسترده موجب بروز آثار وسیعی در همه شئون جامعه گردد.

بر اساس تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و شورای دولتی در ۲۹ مارس ۱۹۵۶ محو بیسوادی به عنوان وظیفه‌ای خطیر و اساسی در ساختار سوسیالیسم و همپراز با انقلاب فرهنگی تلقی شده و مبارزه‌ای مردمی را به منظور تحقق این هدف اساسی توصیه نموده است.

بنابراین آنچه ذکر شد سوادآموزی در چین تنها درصد آموختن حروف و اشکال آن به بیسوادان نیست بلکه سوادآموزی را در حیطه‌ای به مراتب وسیعتر از خواندن و نوشتن صرف مطرح می‌سازد. در پرتو آموختن حروف الفبا به اهدافی وسیعتر چشم دوخته و پیوندی ضروری بین سواد و پیشرفت ملی برقرار کرده است. در این صورت آموختن قبل از آنکه خواسته افراد باشد نیازی اجتماعی است و میزان بهره‌مندی نظام اجتماعی از فعالیت سوادآموزی کمتر از بهره‌مندی بیسوادان نیست. تأخیر در سوادآموزی، تأخیر در پیشرفت و ترقی در تولید تلقی شده و به منظور برخورداری از توسعه اجتماعی اقتصادی به سوادآموزی به عنوان ضرورتی اساسی که لازمه تحقق این هدف مهم است توجه می‌شود.

تاریخچه سوادآموزی در چین

از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام آموزشی در چین، برنامه‌های سوادآموزی در این کشور را می‌توان طی سه دوره زمانی با شرایط و خصوصیات متفاوت تمکیک کرد.

دوره اول. این دوره با پیروزی انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۴۹ آغاز می‌شود و تا شروع انقلاب فرهنگی در چین، یعنی سال ۱۹۶۶، ادامه می‌یابد.

در آغاز این مرحله، مائوشه تونگ رهبر چین — درحالی‌که میزان بیسوادی در چین ۸۰ درصد بود — محو بیسوادی را به عنوان وظیفه‌ای خطیر برای چین نو ذکر کرد و اولیتن کنفرانس ملی کارگران و کشاورزان بر اختصاص زمانی از یادگیری به خواندن و نوشتن به منظور کاهش تعداد بیسوادان تأکید شد.

در ۱۵ نوامبر ۱۹۵۲ کمیته مرکزی طرحی مبتنی بر ایجاد کمیته اجرایی مرکزی سوادآموزی را تصویب نمود که وظیفه تجهیز و بسیج تمامی جامعه در راستای مشارکت در عملیات سوادآموزی را به عهده داشت. در ۱۵ مارس ۱۹۵۶ اتحادیه ملی سوادآموزی به ریاست جانشین نخست وزیر وقت (چینی) تشکیل شد و نگرشی نوبه مسأله سوادآموزی را مطرح کرد. وی سوادآموزی را به عنوان عاملی در جهت ایجاد توانایی و قابلیت خواندن و نوشتن و همچنین آموختن علمی که بتواند چین را از موفقیت در حال توسعه و عقب ماندگی علمی برهاند عنوان نمود. همچنین وی فعالیت‌های سوادآموزی را به عنوان «انفجار بمب اتمی» نامید و لوحی را به این مضمون تهیه کرد: «برای ارتقاء سوادآموزی و تولید، بی آنکه از هیچ یک صرف‌نظر کنیم، رمز موفقیت در ترکیبات حروف و صدا نهفته است که هر دو یکدیگر را به پیش می‌برند».

با توسعه مستمر فعالیت‌های سوادآموزی در این دوره میزان بیسوادی از ۸۰ درصد در سال ۱۹۴۹ به ۳۸/۱ درصد در سال ۱۹۶۴ تنزل یافت، و طی این دوره مجموعاً ۱۰۲ میلیون نفر تحت آموزش‌های سوادآموزی قرار گرفته و با سواد شدند.

دوره دوم. این دوره از سال ۱۹۶۶ آغاز و تا سال ۱۹۷۶ ادامه یافت و از این دهه در حال حاضر به عنوان دوره افول جدی در فعالیت‌های سوادآموزی نام برده می‌شود. در این دوره که همزمان با دوران آغاز و پایان انقلاب فرهنگی

در چین بود، آموزش و پرورش چین بشدت از هم گسیخت و تلاش‌های سوادآموزی متوقف گردید، و طبق اظهار یکی از مسؤولان آموزش و پرورش بزرگسالان چین، در طی این دهه حتی به اندازه سال ۱۹۵۸ که در آن ۲۰ میلیون نفر با سواد شده بودند فعالیت سوادآموزی صورت نگرفته است. آمار بیسوادان بشدت افزایش یافت و باسواد شده‌ها طی دوره اول نیز به مرور به خیل بیسوادان پیوستند.

تینگ شیائوپینگ رهبر فعلی چین، دوران انقلاب فرهنگی را دوران تاریکی به شمار آورده و معتقد است که اشتباهات بزرگی در آن به وقوع پیوسته است. در این ده سال، ذهن بسیاری از مردم، به خصوص در سطوح رهبری عالی کشور به حالت انجماد گرایی و عامل اصلی آن گروه چپ افراطی بود که با غلط تعبیر کردن اهداف انقلاب فرهنگی درصد افشای عناصر طرفدار مشی سرمایه‌داری در کشور بود. تصویری شد که این عناصر در دوران حزب رخنه کرده و درصد ترویج سرمایه‌داری در کشور هستند، لذا در این دوره مبارزه شدیدی علیه راست‌گرایی آغاز شد و در مقابل تفکراتی که تولید را توصیه می‌کرد، بر تقدم ایدئولوژی نسبت به تولید تأکید شد، انگیزه‌های مادی در کار و فعالیت نفی شده و صرفاً بر استفاده از راه‌های تشویق ایدئولوژیکی به منظور ایجاد رغبت در نیروی کار اصرار گردید، و بدین صورت نظرات گروه چپ حاکم بر مردم تحمیل می‌شد و چماق تکفیر و افترا جرأت آزاد اندیشی را از مردم سلب کرده بود و مردم ترجیح می‌دادند که مغز خود را به کار نگیرند.

البته دامنه تأثیر انقلاب فرهنگی در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی کشور چین وسیع است، لیکن در چارچوب بحث این گزارش می‌توان گفت که رکود جدی در فعالیت‌های سوادآموزی بوجود آمد و نه تنها در جهت توسعه سوادآموزی گامی برداشته نشد بلکه موجبات بازگشت به بیسوادی سوادآموختگان نیز فراهم گردید.

دوره سوم. از اکتبر سال ۱۹۷۶ دوره جدیدی در عرصه فعالیت‌های سوادآموزی کشور چین



آغاز شد و با ورود این کشور به مرحله جدید تاریخی که با انتقاد از وضعیت گذشته و همراه با تغییراتی در جنبه های مختلف اقتصادی اجتماعی بود سوادآموزی مجدداً در سه لوحه کار دولت و حزب قرار گرفت. در ۱۹۷۸ فرمان محو بیسوادی صادر شد و شورای دولتی کارگران و کشاورزان را به همکاری در جهت کمک به محو بیسوادی دعوت نمود. در دومین کنفرانس آموزش و پرورش کشاورزان که از ۲۸ نوامبر تا ۱۱ مارس ۱۹۷۹ و توسط آموزش و پرورش، وزارت کشاورزی، انجمن جوانان کمیته مرکزی حزب کمونیست و اتحادیه علوم و تکنولوژی چین برگزار شد بر تلاش مداوم و تنگاتنگ به منظور محو بیسوادی در جمعیت کشاورز جوان و میانسال تأکید شد.

در این دوره با برگزاری سمینارهایی در سالهای ۱۹۸۶، ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ بر مسئولیت خطیر دولت در سوادآموزی و رهبری متحد دولت در این مورد و همچنین لزوم کمک آحاد جامعه، نظام بخشی، نقش مهم سوادآموزی نه تنها در عرصه آموزش و پرورش بلکه در مدیریت کردن جامعه چین تأکید و خواستار کوشش جدی یوسیله حزب، ادارات دولتی و تمام اقشار به منظور توفیق در عملیات سوادآموزی شده است.

دستآورد فعالیت های این دوره موجب کاهش چشمگیر در میزان بیسوادی جمعیت گردید. در پرتو کوشش رؤسای دولتهای مرکزی و ایالتی در چهار دهه اخیر، عملیات ملی سوادآموزی به صورت مداوم و با ثبات بیشتری دنبال شده است و در مجموع طی سالهای ۱۹۴۹-۱۹۸۸ تعداد ۱۶۳/۵۵ میلیون نفر با سواد شده اند و جمعیت بیسواد از ۸۰ درصد جمعیت در ۱۹۴۹ به ۲۰ درصد در ۱۹۸۸ کاهش یافته است. بیش از نیمی از ایالت های چین به محو بنیادین بیسوادی از بین جوانان و میانسالان نائل شده اند و همچنین مرحله آموزش های پس از سوادآموزی به صورت گسترده ای آغاز شده است و آموزش های متنوعی را در شاخه های مختلف و هماهنگ و مرتبط با نیازهای روزمره نوسوادان ایجاد کرده است که در بخش مربوط به آن پرداخته خواهد شد.

محتوا و دوره های مختلف سوادآموزی

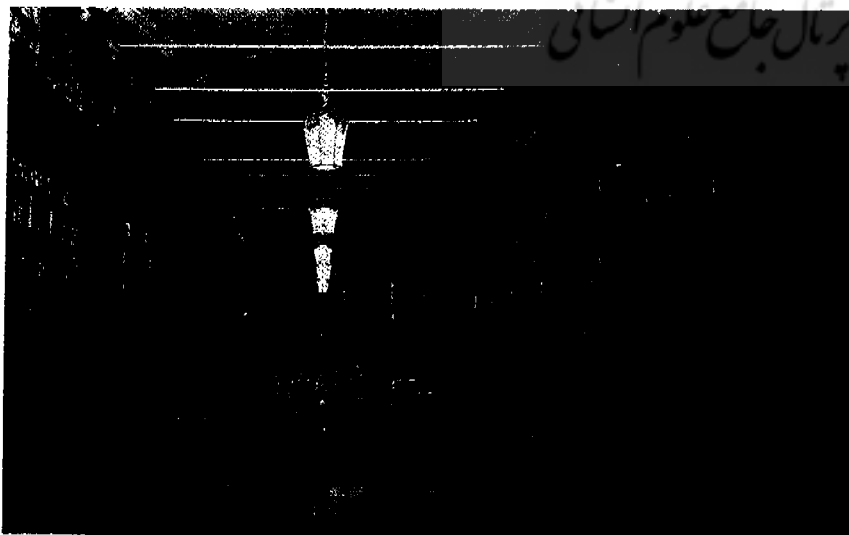
عمدی کردن آموزش ابتدایی، محو بیسوادی و بهبود سطح آگاهی و توانایی جمعیت سه اصل سه گانه ای است که در فعالیت های سوادآموزی به آن تأکید می شود و در قالب اشعار «جلوگیری، حذف و رشد» که هر یک عنوانی از فعالیت های سوادآموزی است طرح می گردد.

توسعه میزان تحت پوشش لازم التعلیم و افزایش میزان ثبت نام کودکان یکی از محورهای اساسی فعالیت های نظام آموزش و پرورش معین است و سپس سوادآموزی و مراحل بعدی آموزش ها که متضمن ارتقاء تواناییهای جمعیت است پی گرفته می شود. در سوادآموزی پایه، افراد بیسواد قادر به نوشتن نامه، خواندن روزنامه ها و مطبوعات می شوند و با توسعه هوش و ذهنی نوآموزان نسبت به حقوق و مسئولیت های بدنی خویش آگاهی یافته قادر به درک بهتر اوضاع و امور دولت و فهم سیاستهای حزب و دولت می شوند. این آموزش ها با توسعه آگاهی نوآموزان ایفای شایسته تر نقش فرد در خانواده و جامعه را موجب می گردد.

پس از طی آموزشهای پایه که علاوه بر آموختن خواندن و نوشتن و حساب کردن به افزایش آگاهی های عمومی نوآموزان از مسائل مهم جامعه و دولت منجر می شود، دوره های

بعدی بدین صورت دنبال می شود که با تشکیل کارگاههای محلی در هر منطقه نسبت به شناسایی مسائل مبتلا به روزمره بیسوادان و تدوین کتب مناسب با نیازها و ضرورت های منطقه ای اقدام می شود و کارشناسان ورزیده از مرکز با نظارت کلی بر روند این آموزشها نسبت به بازنگری مواد آماده شده در کارگاههای محلی اقدام می نمایند و توجه اصلی در تدوین این متون، کاربردی بودن مواد و محتوای آموزشی و انطباق آن با نیازهای روزمره نوسوادان است.

بدین ترتیب در دوره پایه سوادآموزی نسبت به ایجاد تواناییهای اولیه خواندن و نوشتن و توسعه ذهنی نوآموزان و ارتقاء آگاهیهای عمومی آنان مبادرت می شود و در دوره های بعدی همین افراد می توانند نسبت به ادامه تحصیل خود در مدارس بزرگسالان که آموزشی متفاوت با آموزش خردسالان را دنبال می کند اقدام نمایند. در این مدارس آموزشها از انحطاف زمانی برخوردار است و افراد می توانند در خلال کار و فعالیت خود نسبت به ارتقاء سطح آگاهیها و تواناییهای خود اقدام نمایند. محتوای آموزشی کاملاً کاربردی و متنوع و منطبق با نیازهای بزرگسالان است و شیوه های آموزشی نیز به صورت آموزشهای حضوری، غیرحضوری، از طریق تلویزیون و یا برگزاری دوره آموزشی



خاصی یا سمینارهای محلی است.

پس از سوادآموزی

با توجه به اهمیت فعالیت‌های پس از سوادآموزی و نقش ارزنده آن در بهره‌گیری از فعالیت‌های سوادآموزی، به جنبه‌های مختلف این آموزشها پرداخته می‌شود دوره‌های پس از سوادآموزی به صورت دوره آموزش عمومی و تربیت فنی و حرفه‌ای بزرگسالان از طریق ایجاد آموزشگاهها یا دوره‌های آموزشی توسعه قابل توجهی پیدا کرده است.

کلاس‌ها یا دوره‌های آموزشی در زمینه‌های فنی و تکنولوژیک، پرورش حیوانات، کیفیت کاشت، داشت و برداشت، اصلاح نژاد انسان، حیوان و گیاه، زایمان، بچه‌داری، آرایشگری، مسائل بهداشتی، پرورش مروارید، نگهداری از حیوانات، گلدوزی، خیاطی، تقویت و توسعه صنایع محلی، کیفیت اداره شرکتهای تعاونی، انتقال تجارب مثبت در زیر اشغالات گوناگون بزرگسالان و همچنین انتقال یافته‌های علمی به بزرگسالان در شاخه‌های مختلف و... از موضوعاتی است که با استفاده از مدارس آموزش بزرگسالان، دوره‌های حضوری و غیرحضوری و بهره‌گیری از تلویزیون، برگزاری سمینارها و دوره‌های کوتاه مدت و یا دعوت از کارشناسان در کلاس‌های سوادآموزی و توأم با آموزش سواد یا پس از سوادآموزی در چین مورد توجه قرار دارد، و در تمام این موضوعات، انتخاب درس و شیوه ارائه آن تابعی از نیازهای محلی و موقعیت جغرافیایی و جنس سوادآموزان است و به دلیل پیوستگی و ارتباط این آموزشها با جنبه‌های واقعی زندگی نوآموزان رغبت و اشتیاق آنان جهت حضور در این دوره‌ها فراوان است.

از طریق این آموزشها در طی سالهای ۱۹۸۶-۱۹۸۸، ۱۵۰ میلیون نفر از جوانان و میانسالان کشاورز به مرحله فراگیری علمی کشاورزی ارتقاء پیدا کرده‌اند و چنین آموزشهایی به طور مؤثر موجب بهبود کیفیت نیروی کار روستایی گردیده است. ۴۷/۹۶ میلیون نفر از شرکت‌کنندگان در این

دوره‌ها به سطح مورد نیاز اخذ گواهینامه دوره ابتدایی نائل شده‌اند و ۷/۳۹ میلیون نفر با موفقیت دوره‌های خود را در مدارس متوسطه یا حرفه‌ای بزرگسالان به پایان رسانده‌اند. در همه روستاها مدارس بزرگسالان با محتوای آموزشی متفاوت با آموزش مدارس روزانه به صورت شبانه دایر است و طبق آمار رسمی، ۳۰ درصد از جوانان و میانسالان روستایی سطوح نهایی سوادآموزی را طی کرده‌اند و ۵۰ درصد نیز در حد سواد مقدماتی آموزش دیده‌اند و تنها کمتر از ۲۰ درصد باقیمانده بیسواد یا نیمه بیسوادند. در حال حاضر در بیشتر خانواده‌های روستایی حداقل یک فرد در یکی از برنامه‌های سوادآموزی ابتدایی و یا آموزشهای فنی و حرفه‌ای و یا عمومی شرکت می‌کنند و چنین تلاش گسترده‌ای به توسعه اقتصاد ملی و اصلاح آن و همچنین بهسازی فرهنگی جامعه کمک کرده است و سوادآموزی را به عنوان یک عامل مؤثر در سازندگی کشور مشخص نموده است.

نظام اجرا، ارزشیابی، و تشویق

مسئولیت عالی سوادآموزی و نظارت بر کیفیت آن در چین بر عهده دولت مرکزی و از طریق آن مقامات محلی (ایالت‌ها) است و رقابت مؤثری در گسترش فعالیت‌های سوادآموزی بین این مقامات وجود دارد. دولت مرکزی ضمن انعقاد قراردادهایی با مقامات محلی انجام وظیفه شخصی در مورد سوادآموزی را به عهده آنان می‌گذارد و این مقامات نیز به دلیل اختیارات ویژه و اقتداری که بر تمام دستگاههای دولتی دارند با به کارگیری تمام امکانات منطقه و به عنوان واحدی هماهنگ نسبت به عملیات سوادآموزی اقدام می‌نمایند و مسئولیتی که دولت محلی پس از انعقاد قرارداد با دولت مرکزی به عهده می‌گیرد از طریق انعقاد قراردادهایی با مسؤولان سیاسی مناطق تحت پوشش و تابعه خویش به آنها واگذار می‌کند و بدین ترتیب یک سلسله مراتب از عالیترین مقامهای سیاسی مرکز و استان و شهرستان تا سطح ده هریک از ناحیه مسؤول بالاتر، مسئولیت عالی سوادآموزی و رهبری حرکت

عمومی منطقه را به عهده می‌گیرد. چنین مکانیسمی ضمن دارا بودن امکانات و اختیارات لازم جهت بسیج عمومی و مشارکت دادن کلیه دستگاههای محلی در جهت شناخت مسائل و نیازهای منطقه، حرکت‌های سوادآموزی را به صورت هماهنگ با آهنگ عمومی رشد منطقه رهبری می‌کند و تلاش‌های متفاوت و متعددی که از جنبه‌های مختلف امور یک منطقه انجام می‌گیرد از خطه پراکنندگی و عدم ارتباط که عمدتاً منجر به خنثی کردن تلاشهای دیگر یا انجام تلاش‌های موازی می‌گردد، مصون می‌دارد. در این روش، به جای آنکه انتظارات دولت مرکزی به صورت پراکنده بین دستگاههای مختلف توزیع گردد و امکانات و ظرفیتهای موجود به شکل موازی و ناهماهنگ با یکدیگر هدر رود، انتظارات دولت مرکزی باز مجموعه دستگاههای موجود در یک ایالت منحصرأ به دولت محلی و در رأس سر آن عالیترین مقام ایالت منتقل می‌گردد. مجموعه مدیریت یک ایالت در تلاشی مشترک همانند دولت مرکزی به انجام مسئولیتها اهتمام می‌کنند و عمل توزیع انتظارات در دولت محلی تحقق می‌یابد.

ایالت‌های مختلف از سوی دولت مرکزی مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند و براساس نتایج ارزشیابی‌ها مزایایی خواهند داشت و کسب امتیازات بیشتر در تعیین درجات یک ایالت مؤثر است. سوادآموزی نیز در چین در یک چنین سیستمی توزیع می‌شود و پس از تعیین وظایف و مسئولیت‌های یک ایالت و انعقاد قرارداد با آن فعالیت سوادآموزی در سطح جامعه به صورت قراردادهایی توزیع می‌گردد و موفقیت در امر سوادآموزی موجب کسب امتیاز می‌گردد که پس از محاسبه امتیازها، واحدهای پیشرفته تعیین می‌شوند و در صورت انتخاب شدن به عنوان واحد پیشرفت ضمن دریافت جایزه، حقوق مجموعه نیروهای آن واحد افزایش می‌یابد. بدین جهت، کلیه عوامل شاغل در یک ایالت انگیزه‌ای قوی جهت مشارکت جدی در امر سوادآموزی را دارا هستند. در مورد افراد نیز درجه شغلی که



تعیین کننده میزان حقوق یک فرد است تابعی از دانش و آگاهیها و تواناییهای اوست و شرکت وی در دوره های سوادآموزی در برخورداری از درجات بالا تر شغلی دخیل است. کشاورزان از طریق در اختیار قراردادن وسایل کشاورزی و یا ایجاد محدودیت در برخورداری از امکانات شغلی و یا تسهیلات اعتباری نظیر وام، تشویق یا تنبیه می شوند.

باتوجه به اینکه دولتهای محلی در قبال تعهدات خود بر اساس قرارداد منعقد با دولت مرکزی در چارچوبی کلی متعهد می شوند، انتخاب مکانیسم اجراء خط مشی اجرایی فعالیت سوادآموزی در هر استان با دولت محلی است که متناسب با ظرفیتهای موجود یک ایالت و دیگر ویژگیهای آن نسبت به اتخاذ روش هایی جهت با سواد کردن جمعیت اقدام می نمایند. برای مثال، در بعضی از دولتهای محلی، از افراد برای شرکت در سوادآموزی پول می گیرند و در صورت با سواد شدن، مبالغ دریافت شده یکجا به آنان مسترد می گردد.

در مجموع، کارکرد اصلی نظام اجراء، نظارت و ارزشیابی علاوه بر تضمین کیفیت سوادآموزی موجب توزیع منطقی مسؤلیتها و استفاده تهنیه از امکانات و ظرفیتهای موجود با توجه به ویژگیهای هر منطقه، ایجاد رقابت سالم

در جهت گسترش فعالیت سوادآموزی بین ایالتها، هماهنگی بیشتر در کار و ثمربخشی افزونتر سوادآموزی می گردد و احساسات عمومی به شکل مؤثرتری در جهت مشارکت جدی در برابر سوادآموزی برانگیخته می شود.

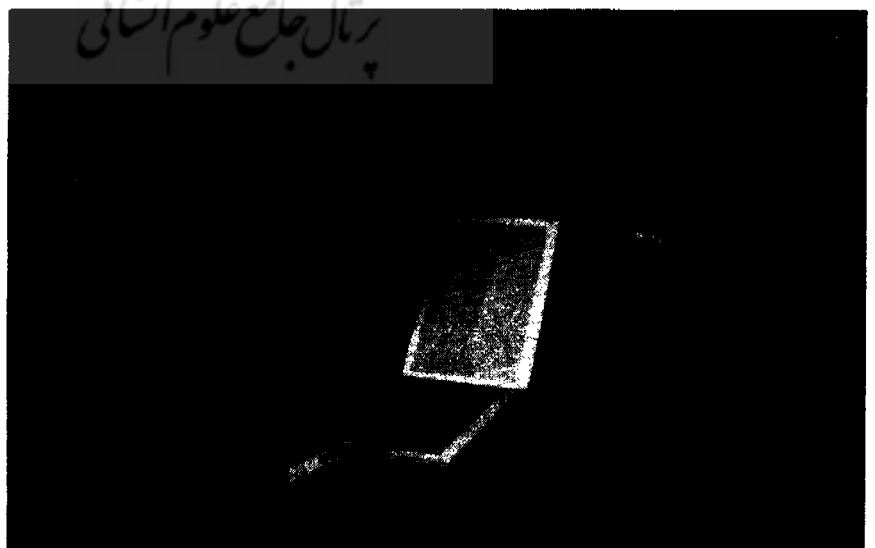
سوادآموزی و نیازهای نوآموزان

در کشور چین تلاش شده است که سوادآموزی در قالب نیازهای مردم محلی در تولید و زندگی روزمره برنامه ریزی شده و توأم با مطالعه سیاستهای دولتی و شناخت بیشتر محیط پیرامون باشد. تعلیم و تربیت ایدئولوژیکی، اخلاقی، شناخت قوانین، حقوق و تکالیف افراد، شناخت جامعه و درک محیط اجتماعی فرهنگی و شناخت ضرورتهای اجتماعی در جامعه از جمله مطالب مورد توجه در سوادآموزی چین بوده است. در مناطقی که از نظم اقتصادی توسعه کافی پیدا نکرده اند عملیات سوادآموزی به عنوان عاملی در جهت زدودن فقر و آشنایی افراد با علم و تکنولوژی بوده است. در این قسمت از گزارش، ذکر این نکته را ضروری می دانم که در مطالعه بخش های مختلف آموزشی در چین، چیزی که بیشتر از همه جلب توجه می کرد هماهنگی آموزشها با نیازهای عمومی در جامعه چین بود. نیازها و آموزش همانند

چرخ دنده های یک ماشین به نحو مطلوبی درهم قرار گرفته اند که حرکت هر یک دیگری را به حرکت وامی دارد و حرکت مشترک آن موجب حرکت یک مجموعه می شود. آموزش تنها برای پاسخگویی به نیازهاست و نیازها در جهت رفع تحویش آموزشهای ضروری را سبب می شوند و مدیریت هماهنگی بین نیازها و آموزش به خوبی شکل گرفته است. دانشگاهها پایداری فنی و حرفه ای بزرگسالان در هر منطقه متناسب با تولیدات اصلی منطقه، وضع خاص جغرافیایی و ظرفیت های محلی و نیازهای منطقه تشکیل شده و ترکیب موقتی از آنها و دیگر نیازهایی که باقی خدمات لازم را از دانشگاهها یا مراکز آموزش بگیرند به وجود آمده است. هماهنگی بین آنچه نیازهای عمومی پیشرفت در منطقه تشخیص داده شده با آنچه در مدارس و دانشگاهها آموزش داده می شد محسوس بود.

در مناطقی که اقلیت های نژادی سکونت دارند با محترم شمردن آداب و رسوم و باورهای دینی آنان، سوادآموزی بر اساس زبانهای اقلیتها انجام می شود. سوادآموزی زنان متمایز از سوادآموزی مردان است و در آن علاوه بر توجه به نیازهای خاص آنان، در جهت تطبیق آموزشها با شخصیت زنان تلاش می شود. کلاس های خیاطی، بافتنی، گلدوزی، مرغداری، نگهداری از حیوانات و نانوایی از جمله آموزشهایی است که در سوادآموزی زنان به آن توجه می شود. همچنین در سوادآموزی چین، غنی بودن محتوای آموزشی و تنوع آن مورد توجه جدی است و هر منطقه ای برای استفاده خود مواد آموزشی متناسب با ضرورتها و نیازها تدوین می کند و چون خود در تولید مواد آموزشی مشارکت جدی دارند، رغبت بیشتری در جهت آموختن و فراگیری این آموزشها نیز ایجاد خواهد شد.

بخش های کشاورزی و مجتمع های علمی در جهت بهره گیری مردم از تحقیقات و یافته های نوین و بهبود روش های انجام کار به همکاری جدی با سوادآموزی می پردازند و موجبات پربارتر شدن محتوای سوادآموزی را فراهم می سازند و از سوی سوادآموزی را به



عنوان عاملی در جهت بهسازی جامعه و ارتقاء توانایی های عمومی مساعدت می نمایند و رغبت نوآموزان را برای شرکت فعالتر در کلاس های سوادآموزی تأمین می کنند.

تأمین نیروی انسانی مورد نیاز

آموزشیاران سوادآموزی در چین از سه طریق تأمین می شوند:

۱. کارمندان و معلمین خاص سوادآموزی؛
۲. معلمین مدارس محلی؛
۳. باسوادان محلی.

با توجه به ساخت بیشتر روستاهای کشور چین، نیروی اصلی سوادآموزی را مدارس ثابت در مناطق روستایی تشکیل می دهند. این مدارس که روزها در جهت آموزش کودکان فعالیت دارند، شبها با تبدیل به مدارس شبانه شدن نسبت به تحت پوشش بودن روستاییان در کلاس های سوادآموزی اقدام می کنند. معلمان این گونه مدارس با بهره گیری از دانش آموزان و تحت نظارت کئی معلم نسبت به با سواد نمودن روستاییان اقدام می کنند. اصولاً دانش آموزان در گسترش فعالیت های سوادآموزی چنین نقش عمده ای داشته اند و تحت نظارت و راهنمایی معلم خود در منزل به پدر یا مادر خود کمک کرده اند تا بتوانند بخوانند و بنویسند.

جوانان تحصیل کرده و یا سواد، معلمان بازنشسته، کارمندان دولت، مبلغین مذهبی که علاقه مند به کار سوادآموزی باشند در انجام این مسؤلیت خطیر مشارکت می نمایند. مراکز فرهنگی و شهروندان نیز در گسترش فعالیت های سوادآموزی احساس مسؤلیت می کنند و دولت نیز با مطرح کردن سوادآموزی به عنوان مسؤلیتی اجتماعی در جلب مشارکت نیروهای جامع به فعالیت های سوادآموزی اقدام کرده و علاوه بر اینکه همکاری با سوادآموزی به عنوان مسؤلیت اجتماعی تلقی شده به کسانی که در این زمینه تلاش می کنند حقوق نیز پرداخت می شود.

براساس آمار رسمی در چین، ۷۰ هزار نفر کارشناسان سوادآموزی هستند که با بهره گیری از ۱۱۰ هزار آموزشیار و ۵۰۰ هزار معلم دبیرستان و مدرسه ابتدایی به امر سوادآموزی اهتمام

می ورزند.

اعتبارات سوادآموزی

بودجه سوادآموزی در چین از دو منبع اصلی و منابع متفرقه دیگر به شرح زیر تأمین می شود:

۱. ۲ درصد از کل بودجه جاری آموزش و پرورش؛
۲. کمکهای شخصی و ثبات مردم، به دو صورت:
 - الف. ۱ درصد از درآمد روستاییان؛
 - ب. ۱ درصد از درآمد شهرنشینان؛

۳. دولتهای محلی، شهرداریها، مجتمع های کشاورزی روستایی بخشی از اعتبارات خود را که به منظور توسعه کشاورزی و صنعتی ایالت اختصاص یافته است از طریق کمک بر عملیات سوادآموزی و پس از سوادآموزی به کار می گیرند. همچنین دولت های محلی بخشی دیگری از اعتبارات خود را به عنوان جایزه جهت عملکرد چشمگیر و درخور تقدیر و شایسته در مورد گردآوری مطالب درسی، تربیت آموزشیاران و کیفیت سوادآموزی اختصاص می دهند.

با توجه به اینکه نظام تحصیل درآمد در چین، بویژه مناطق روستایی، در کنترل دولت است و کشاورزان ضمن عقد قراردادهایی با دولت بر روی زمینهای کشاورزی که مالکیت آن متعلق به دولت است کار می کنند و محصول خود را به دولت می فروشند، درآمد آنان در کنترل دولت بوده و بر اساس تصمیمات دولت بخشی از این درآمدها به امور ضروری جامعه اختصاص می یابد.

در طی بازدیدی که از مدارس به عمل آمد، به مدرسه و پارک بزرگی برخوردیم با برداشت بخشی از درآمد کشاورزان احداث شده بود، و در مقابل این سؤال که آیا کشاورزان راضی به اختصاص بخشی از درآمدهای خود به این گونه امور هستند چنین عنوان شد که کشاورزان علاقه مند به بهبود محیط اجتماعی خود هستند. اما در کل چنین به نظر می رسد که در یک تصمیم گیری کلی دولت می تواند بخشی از درآمدها را به این گونه امور اختصاص دهد.

بخش دیگری از اعتبارات مورد نیاز فعالیت های سوادآموزی نیز از طریق تشویق افراد به سهم شدن در سوادآموزی از طریق کمک مالی تأمین می گردد.

دولت و سوادآموزی در چین

بنا به اظهارات مسؤولان سوادآموزی در چین، چون سوادآموزی با اهداف اساسی نظام مرتبط است و قشر وسیعی از جمعیت مؤلد و فعال کشور و به تعبیری تمامی جامعه را در بر می گیرد، دولت نقش اساسی و عمده ای در پیشرفت و موفقیت آن دارد و هدایت منسجم دولتی لازمه توفیق آن محسوب می شود.

دلایلی که به منظور تعیین نقش ویژه و خطیر دولت در امر سوادآموزی مورد استفاده بوده و دولتها را به عنوان تسهیل کننده روند سوادآموزی معرفی می کند بدین قرار است:

۱. دارا بودن قدرت و حق فراخوانی و بسیج ملی و تجهیز کل جامعه در امور سوادآموزی؛
۲. به دلیل شمول حیطه اختیار و تصمیم دولت در تمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت می تواند برنامه های آینده را مشخص کند و معیارهای ضروری را برای موفقیت برنامه های سوادآموزی تضمین نماید و پیوستگی برنامه های سوادآموزی را با هدفهای کلی نظام ترسیم کند و در نتیجه موفقیت این فعالیتها را میسر سازد.

۳. از آنجا که مشارکت عموم دستگاهها لازمه توفیق در سوادآموزی است، دولت می تواند با توجه به اشراف و مدیریت بر دستگاهها و سازمانهای دولتی به عنوان سازمان دهنده و هماهنگ کننده بخشها و سازمانهای مختلف باشد که در تلاشی مشترک برای رفع بیسوادی شرکت می کنند.

تفکیک وظایف بین دستگاههای مختلف در امر سوادآموزی

به منظور تأمین شایسته مشارکت بخش های مختلف در امر سوادآموزی، وظایف هر یک از دستگاهها تفکیک شده است و تحت رهبری متحد دولت به انجام مسؤلیت محوله به پردازند.



ادارات دولتی آموزش و پرورش نسبت به تعیین محورهای سوادآموزی، تعیین خط مشی ها، تألیف کتاب و مواد درسی، ایجاد سازمان آموزشیاران و نظام بخشیدن به آنها، مدیریت برنامه های سوادآموزی را برعهده دارند و سازمانهایی چون سازمان زنان، جوانان، کارگران و وظیفه آگاهی دادن به بیسوادان و ایجاد رغبت و انگیزه در آنان جهت شرکت در فعالیت های سوادآموزی، تجهیز، ناموسی و به کارگیری جوانان و زنان بیسواد را در برنامه های سوادآموزی به عهده می گیرند.

ادارات کشاورزی و مجتمع های علمی وظیفه عمده همکاری در شیوه های سوادآموزی را به نوعی که عاقله مردم (نواموزان) بتوانند از تحقیقات علمی جدید در فعالیت های روزمره خویش بهره گیرند برعهده دارند. همچنین، وظیفه هماهنگی آموزش و پرورش پس از سوادآموزی یا تداوم آموزش را با انتشار علوم و تکنولوژی متناسب با نیازهای نوسودان و کمک به عموم در جهت فراگیری و به کار بستن دستاوردهای تحقیقات علمی انجام می دهند. بدین صورت، در عین تفکیک وظایف، ضمن درگیر شدن کلیه نهادها و دستگاههایی که به نوعی با مسؤلیت خطیر سوادآموزی مرتبط هستند، زمینه بهره گیری مناسب از تلاش های انجام شده و سرمایه گذاریها فراهم می گردد و محصول نهایی یک تلاش مشترک، افزایش توانایی جمعیت فعال کشور است که فعالیتها در راستای یکدیگر قرار گرفته و تکمیل کننده هم می شوند.

برنامه های آینده سوادآموزی در چین

علی رغم کاهش جزی در آمار بیسوادان کشور چین، براساس بررسی نمونه یک درصد جمعیت که در سال ۱۹۸۷ انجام گردید، هنوز ۲۲۰ میلیون نفر بیسواد در این کشور وجود دارد، همچنان به دلیل پوشش ناقص آموزش ابتدایی در بعضی از ایالت های چین کماکان بیسواد به وجود می آید. براساس آمار اعلام شده توسط معاونت کمیته آموزش و پرورش چین و ملاقات حضوری، پوشش آموزش ابتدایی %

می باشد.

اولویت سوادآموزی در چین مربوط به گروه سنی ۱۵-۴۰ ساله می شود که طبق برآورد بررسی نمونه یک درصد جمعیت، ۷۲ میلیون نفر از بیسوادان چین در این گروه سنی قرار دارند که ۳۷ درصد از بیسوادان را تشکیل می دهند و ۶۴ درصد از بیسوادان در گروه سنی ۴۰ سال و بیشتر هستند که ۱۴۰ میلیون نفر بیسواد را شامل می شوند.

بر طبق اعلام شورای دولتی «این حق و وظیفه هر شهروند بیسواد و نیمه بیسواد بین سنین ۱۵ تا ۴۰ سال است که صرف نظر از نوع، جنس، یا نژاد از نعمت سواد بهره مند شود، مگر آن دسته که معلولیتی دارند» نظر به تصمیم دولت در سال ۱۹۸۸ که مبارزه با بیسوادی را به عنوان وظیفه مهم دولت تلقی کرده است پیش بینی می شود که همه ساله ۴ میلیون نفر از تعداد بیسوادان در چین کاهش یابد و تا پایان قرن حاضر یا کمی بیشتر بیسوادی در گروه سنی ۴۰-۱۵ ساله محو گردد و میزان بیسوادی در روستاها به ۱۵ درصد و شهرها به ۱۰ درصد تنزل یابد.

در برنامه های جدید سوادآموزی بر نکات ذیل تأکید می شود:

۱. تصمیم آموزش ابتدایی و افزایش میزان ثبت نام شدگان به منظور جلوگیری از افزایش بیسوادان؛
۲. افزایش تحت پوشش بیسوادان در کلاس های سوادآموزی؛

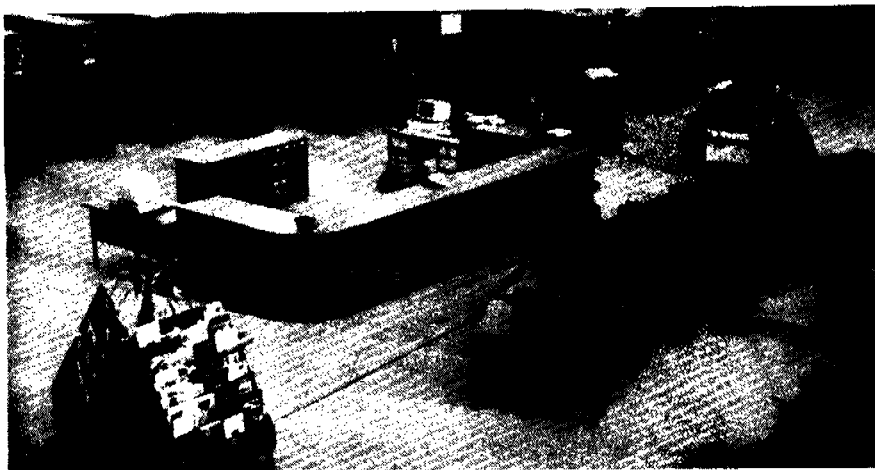
۳. آموزش و پرورش پس از سوادآموزی به منظور پاسخگویی به نیازهای نوآموزان و مشارکت در توسعه اقتصادی اجتماعی و جلوگیری از بازگشت به بیسوادی؛

۴. تأکید بر نقش خطیر دولت و رهبری در گسترش سوادآموزی به دلیل توانایی فراخوانی و تجهیز جامعه، همچنین تضمین موفقیت برنامه های سوادآموزی از طریق تصویب قوانین مورد نیاز، سیاستگذاریهای ضروری و سازماندهی و هماهنگی بخشها و سازمانهایی که در امر سوادآموزی مشارکت دارند؛

۵. تفکیک وظایف دستگاههای فعال در امر سوادآموزی و ارائه ترکیبی موق از مجموعه فعالیت هایی که در مورد سوادآموزی و ثمربخشی آن انجام می گیرد؛

۶. اهمیت دادن به این که مدارس، بویژه در مناطق روستایی، نیروهای اصلی برای حذف بیسوادی هستند و می توانند با دایر کردن کلاس های شبانه تشکیل گروههای مطالعاتی، به کارگیری دانش آموزان در باسواد کردن بیسوادان و تشکیل کلاس های سوادآموزی نقش منحصر به فردی در توسعه سوادآموزی داشته باشند؛

۷. برنامه های سوادآموزی باید در زمینه احتیاجات مردم و هماهنگ با زندگی روزمره آنها باشد و با مطالعه امور جاری، سیاستهای حکومتی، آگاهیهای ایدئولوژیکی، اخلاقی، حقوقی و جغرافیایی تلفیق گردد و در مناطق



توسعه نیافته مبارزه با بیسوادی با مبارزه چند نفر همراه گردد. همچنین سوادآموزی زنان با شخصیت آنها تطبیق داده شده و به احتیاجات خاصی آنها پردازد؛

۸. ضرورت مشارکت مراکز فرهنگی در توسعه فعالیتهای سوادآموزی؛

۹. باید انعطاف پذیری لازمه حتمی برنامه های سوادآموزی باشد و شیوه های سوادآموزی با توجه به واقعیتهای زندگی بیسوادان و اوقات فراغت آنها هماهنگی داشته باشد.

۱۰. سرمایه گذاری در امر سوادآموزی از درآمد مردم، اختصاص بخشی از مالیاتها و درصدی از بودجه دولت تأمین گردد و افراد به سهم شدن در سوادآموزی از طریق کمکهای مالی تشویق شوند.

۱۱. نظام اجراء، نظارت و پاداش بایستی تضمین کننده کیفیت سوادآموزی باشد؛

۱۲. تأکید بر گسترش همکاریهای بین المللی به منظور انتقال تجربیات و بهره گیری از تجارب دیگر کشورها.

همکاریهای بین المللی در موضوع سوادآموزی

در چین همگام با توسعه فعالیت های سوادآموزی مشارکت فعالی را در زمینه همکاریهای بین المللی از طریق برگزاری کنفرانسها و سمپوزیومهای بین المللی و منطقه داشته است و مبادلات گسترده ای با دیگر کشورها به عمل آورده است و از طریق این مبادلات بهره گیری از تجارب مفید دیگر کشورها نائل شده است که در این قسمت گزارش به جهت آشنایی با کم و کیف این مبادلات به نمونه هایی از همکاریهای بین المللی اشاره می شود:

۱. ترتیب دوره های آموزشی با مدیریت مشترک یونسکو چین. از سال ۱۹۸۲ یونسکو بودجه بیش از ۳۰ کارگاه را با بیش از ۵ هزار شاغل در یازده استان و مناطق خودمختار چین به منظور بهبود و انگیزه دهی و تخصص کردن کیفیت سوادآموزی تأمین کرد.

۲. سازماندهی مشترک سمپوزیومها و زمینه های

مطالعاتی در آموزش های مورد نیاز سوادآموزی روستایی. در سال ۱۹۸۱ سازمان شورای بین المللی آموزش بزرگسالان (ICAE) هیأتی مرکب از کارشناسان کانادا، امریکا، تایلند و باریادوس را جهت مطالعه در پیشرفت سوادآموزی و تداوم آموزش به چین اعزام کرد. همچنین در ۱۹۸۲ چین و یونسکو مشترکاً نسبت به تشکیل یک سمپوزیوم و حوزه مطالعاتی در زمینه سوادآموزی و آموزش بزرگسالان در چین اقدام کرد که در آن از هشت کشور تایلند، بنگلادش، هند، مالزی، پاکستان، نپال، فیلیپین و ژاپن شرکت کرده بودند.

در سال ۱۹۸۲ چین و یونسکو سمپوزیومی را در بانکوک (تایلند) و نان جنیگ (چین) با عنوان طراحی و اجرای آموزش و پرورش ابتدایی و سوادآموزی برگزار کردند که در آن نمایندگان ۱۲ کشور حضور داشتند.

در سال ۱۹۸۶ چین و یونسکو مشترکاً سمپوزیومی را در زمینه آموزش روستایی در چانگ چان ترتیب دادند که هیأتی اعزامی از هشتاد کشور و ادارات ذیربط دولت مرکزی و ۱۴ اداره علوم استانی در آن شرکت نمودند.

در اوت ۱۹۸۷ کارگاهی ملی در قالب یک کنفرانس «علوم توأم با تلاش های مشترک یونسکو و چین در کینگادو گشایش یافت. در حدود صد نفر از مسؤولان علوم سوادآموزی ابتدایی و روستایی از ایالات مختلف چین شرکت کردند. در آوریل همان سال سمیناری در زمینه تألیف مواد درسی تداوم آموزشی تحت ریاست ACCU برگزار شد. در ماه سپتامبر یک کارگاه طراحی سوادآموزی و تداوم آموزش بوسیله یونسکو و چین راه اندازی شد. چین و یونسکو ACCU به طور مشترک کارگاهی ملی را با عنوان تألیف کتب درسی پس از سوادآموزی بر پا کردند و کارشناسانی از یونسکو، ژاپن و ACCU، تایلند و نمایندگان دو ایالت چین در آن حضور یافتند.

در ماه مه ۱۹۸۸ یک سمپوزیوم با عنوان آموزش و پرورش بزرگسالان در مناطق روستایی توسط اتحادیه ملی مبادلات علمی چین، اتحادیه آموزش و پرورش چین و سازمان آموزش

بزرگسالان جنوب آسیا و اقیانوسیه برگزار شد و شرکت کنندگان درگیر با آموزش بزرگسالان تایلند به منظور مطالعه آموزش غیررسمی و سوادآموزی تایلند از این کشور دیدن کردند.

در اوت ۱۹۸۸، چین و یونسکو اداره یک کارگاه در تایلند را به منظور ساخت مواد آموزش و تربیت آموزشیار در منطقه آسیا و اقیانوسیه به عهده گرفتن و در آن هیأتی از ۱۸ کشور منطقه شرکت داشتند و این کارگاه رابطه مستحکمی با تربیت آموزشیاران در چین داشت.

در ژوئیه ۱۹۸۹ چین و یونسکو و مرکز فرهنگی آسیایی یونسکو ACCU اداره یک دوره تربیت ملی گردآورنده ای کتب درسی مرحله تداوم آموزش (پس از سوادآموزی) را با شرکت ۲۰ کارشناس و مجریان یازده ایالت چین به عهده گرفتند.

۳. تشویق های بین المللی و جوایز کتب درسی. از سال ۱۹۸۴ ایالات «بازونگ» از استان «سی چوان»، استان جیلین، ایالت دولیان از استان «شان دانگ» استان «هونان» و ایالت «سانگ تاو» از استان «گوئیژو» برنده جایزه بین المللی سوادآموزی شدند.

در سال ۱۹۸۵ مجله ادواری (یادگیری برای خواندن) که در شانگهای چاپ می شد برنده جایزه گردید و مواد تدریس و خواندن که در ایالت های «فوجیان» «سی چوان» «زی جیانگ» و «گانسو» و مغولستان داخلی مناطق خودمختار و شهر «والیان» تولید می شد گمراهی تقدیر را از اداره یونسکو در منطقه آسیا اقیانوس دریافت کرد.

۴. شرکت در کنفرانسهای بین المللی، منطقه ای، سفرهای مطالعاتی ماورا بحار کارکنان آموزش بزرگسالان چین مشارکت فعالی را در کنفرانسهای سوادآموزی، آموزش بزرگسالان، تربیت نیرو، تألیف منابع درسی داشتند که توسط یونسکو ICAE و ACCU و غیره ترتیب یافته بود. همچنین سفرهای مطالعاتی به فیلیپین، تایلند، سریلانکا، هند، فرانسه، هنگ کنگ داشته و با همتهای خود تبادل تجربه کرده اند.